

بالاترین عبادات توبه است

آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود گفت: هیچ عبادتی بالاتر از ثواب توبه نداریم. شما نمی‌توانید عبادتی پیدا کنید که ثوابش بالاتر از توبه باشد.



آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود گفت: هیچ عبادتی بالاتر از ثواب توبه نداریم. شما نمی‌توانید عبادتی پیدا کنید که ثوابش بالاتر از توبه باشد.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله حسین مظاهری در درس اخلاق اخیر خود در شب لیلۃ الرغائب مطالبی بیان کرده که متن آن برای علاقه مندان در پی می‌آید.

قبل از اینکه وارد بحث شوم، نکته خوبی را به شما عرض کنم و آن نکته این است که امشب لیلۃ الرغائب است و در سال فقط همین یک شب است که به نام لیلۃ الرغائب نامیده شده است و معنای لیلۃ الرغائب این است که دوستان خدا، کسانی که رابطه با خدا دارند، به امشب توجه دارند. راز و نیاز با خدا و مکالمه و تضرع و زاری‌هایشان امشب زیاد است. از آن طرف هم لطف پروردگار عالم، رحمت و وسعۀ خدا در امشب زیاد است. لذا اهل دل می‌توانند در امشب راه صد ساله را بپیمایند. برسند به مقام وصول و مقام شهود و بالاترین لذات برای آنها امشب باشد. چیزی که امشب به شما عرض می‌کنم بالاترین عبادات توبه است. انسان یک توجهی به خود کند و به نواقص خود توجه کند و دل سیاه خود را توجه کند و به گناهان یک عمر خود توجه کند و یک حال تضرع و زاری برای او پیدا شود و توبه از گناه کند.

گناه هرچه بزرگ، گناه هرچه فراوان باشد اگر جداً توبه کند، اگر جداً خجالت‌زده از خدا شود، اگر جداً از خدا عذرخواهی کند، با شفاعت اهل بیت و توسل به اهل بیت پاک می‌شود. به قول پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» به اندازه‌ای پاک می‌شود که اصلاً گناه نکرده است. [۱] به قول پیغمبر اکرم به اندازه‌ای پاک می‌شود مثل بچه‌ای که روز اول است از مادر زائیده شده است. قرآن می‌فرماید: حال یأس پیدا نکن، بلکه حال توبه پیدا کن. حال تضرع و زاری پیدا کن و حال تقصیر پیدا کن. به راستی خجالت‌زده از خدا باش. به راستی شرمندۀ از اهل بیت «سلام‌الله‌علیهم» باش برای اینکه گناهانی که ما می‌کنیم علاوه بر اینکه در محضر خداست، در محضر اهل بیت (ع) است: «اعْمَلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَ رِسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» [۲]

این مضمون در قرآن تکرار شده است و می‌فرماید هرکاری خواستی بکن، اما توجه به این داشته باش که در محضر خدا و در محضر پیغمبر اکرم و در محضر اهل بیت «سلام‌الله‌علیهم» هستی، لذا با این توجه انسان نباید گناه کند، باید معصوم باشد. توجه ما کم است و این لیلۃ الرغائب برای این است که به ما توجه دهد. این آیاتی که در قرآن تکرار شده است، برای این است که به ما توجه دهد. گناه هرچه بزرگ و فراوان باشد، مأیوس از رحمت خدا نشویم. که قرآن می‌فرماید: گناه یأس از رحمت خدا، در سر حد کفر است: «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» [۳]

مأیوس از رحمت خدا نشو، گناهت هرچه بالا باشد، اگر جداً توجه و خجالت‌زده و شرمندۀ از خدا و یک حال تضرع و زاری، مخصوصاً اشکی از روی شرمندگی باشد و یک استغفراللهی ولو فارسی باشد. مثلاً بگوید خدایا بد بودم و جداً می‌خواهم خوب شوم، خدایا توفیقش را تو باید بدهی. خدایا امشب لیلۃ الرغائب است و من تصمیم گرفتم از این به بعد خوب باشم. البته این به زبان نباشد، بلکه دل باشد و صفا و صمیمیت و صداقت باشد. گناه هرچه بزرگ و فراوان باشد، پروردگار عالم می‌آمرزد. انسان هرچه گناهش بزرگ باشد نباید مأیوس از رحمت خدا شود، به اندازه‌ای که آمد خدمت امام صادق (ع) و یک قضیه عجیبی را نقل کرد و گفت دیدم کسی در ماه مبارک رمضان روزه می‌خورد. گفتم چرا روزه می‌خوری؟ گفت: برای اینکه خدا مرا نمی‌آمرزد. بعد قضیه عجیبی نقل کرده بود که شصت نفر سید کشته است و مأیوس از رحمت خدا شده است.

امام صادق (ع) ناراحت شدند و اگر کسی عمداً کسی را بکشد ولو سید نباشد، قرآن می‌گوید باید به جهنم رود و همیشه در جهنم باشد. اما امام صادق (ع) فرمودند: این حال یأسی که این پیدا کرده، گناهش از کشتن شصت نفر سید بالاتر است.

امشب شب توبه است و جداً اگر توبه کرد، دو سه مطلب حسابی برایش جلو می‌آید. یکی اینکه گذشته‌ها گذشته است. و قرآن این را در چندین جا می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» [۴] ای بنده‌ام که خیلی گناه کرده‌ای، ناامید نشو. اگر توبه کنی، خدا همه را می‌آمرزد: «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا». اگر امشب این حالت برای کسی پیدا شود خیلی ارزش دارد و گذشته‌هایش گذشته است و پروردگار عالم روی گذشته‌هایش حساب نمی‌کند، بلکه در روز قیامت نمی‌گذارد دیگران هم بفهمند.

نتیجۀ دوم اینکه همین امشب یک دعای مستجاب دارد تا کم‌کم مستجاب‌الدعوه می‌شود. کسانی که مستجاب‌الدعوه هستند و کسانی که با یک یا الله می‌توانند زمین و آسمان را به هم بدوزند و کسانی که طی الارض دارند و کسانی که طی اللسان دارند، برای اینست که معصوم از گناهند. البته نه عصمت اهل بیت، بلکه عصمت اهل بیت یعنی چهارده معصوم سهل و نسیان و جهل و آلودگی ندارند و الا معصوم، یعنی کسی که گناه نکند و این فراوان است و همه باید چنین باشند و خدا از همه می‌خواهد این چنین باشند و گناه نکنند. بعضی اوقات هم شرط می‌شود. مثلاً مرجع تقلید باید عادل باشد. اگر مرجع تقلید یک دروغ بگوید یا یک غیبت کند، خود به خود از مرجع تقلیدی می‌افتد. امام جماعت باید عادل باشد. اگر العیاذبالله یک ظلم کند یا یک فحش دهد، خود به خود از امامت جماعت می‌افتد. بالاخره همه باید معصوم باشند و معنای معصوم این است که اهمیت به همه

واجبات یک وظیفه است. اهمیت به مستحبات، مثل اینکه در این ماه رجب و شعبان و رمضان که خیلی مهم است و اهل دل این سه ماه را خیلی دوست دارند و به خیلی جاهای بالایی می‌رسند. در این سه ماه انس با قرآن و انس با دعا و انس با تضرع و زاری با خدا و انس با خدمت به خلق خدا خیلی کار می‌کند.

سوم اجتناب از گناه داشته باشد. چشم و گوش و زبان او کنترل باشد و گناه چشم و گوش و زبان نداشته باشد و کم‌کم خدا توفیق می‌دهد که گناه دل هم ندارند. خیلی‌ها را سراغ داریم که گناه دل ندارند، یعنی توهّم‌ها و تفکرها و تخیل‌ها اصلاً سراغش نمی‌آید. خدا به او لطف کرده است. این اعدل العدلاء است و اما عادل همین است که گفتیم. اهمیت به مستحبات آسان است و اهمیت به واجبات و اجتناب از گناه، یک رنگ مستحبات است که این رنگ مستحبات خوب رنگی است. قرآن می‌فرماید:

«صِيغَةُ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِيغَةً» [۵]

رنگ خدا چه رنگ خوبی است. به این اعمالش و به این عمرش رنگ مستحبات دهد. حال این واجب نیست، امام معلوم است که نمک آش است. با اهمیت به واجبات و اجتناب از گناه، متقی می‌شود و وقتی متقی شد، شیعه متقی بدون حساب و کتاب به بهشت می‌رود.

امیرالمؤمنین (ع) دم مرگ به فریاد شیعه متقی می‌رسد و او را همراه خودش می‌برد. آنجا که علی و اهل بیت در عالم برزخند. و قدم اول، این توبه است. معنای توبه هم اینکه گذشته‌ها گذشته و در آینده متقی شود و این خیلی لذت و نتیجه دارد. چهارم اینکه می‌رسد به آنجا که خدا در این دنیا به او نظر لطف دارد و حیات طیب به او می‌دهد. یک زندگی منهای غم و غصه و دلهره و اضطراب‌خاطر و یک زندگی منهای گرفتاری که قرآن اسم این را حیات طیب می‌گذارد و می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» [۶] هرکه متقی باشد و عمل صالح داشته باشد و عمل صالح یعنی اهمیت به واجبات و اجتناب از گناه.

گفتم خیال نکنید این مشکل است، بلکه مردانگی و گذشت و ایثار و فداکاری می‌خواهد. قرآن می‌فرماید هرکه متقی شد، در همین دنیا حیات طیب و در آخرت حیات طیب‌تر دارد. بهشت با آن مقام‌ها و نعمت‌ها و بالاتر از این نعمت‌ها بهشت در خدمت امیرالمؤمنین (ع) و بهشت در خدمت حضرت زهرا «سلام‌الله‌علیها». و تعهد کرده‌اند که این حیات طیب را بدهند. در قرآن روی این مطلب زیاد اصرار شده است.

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» [۷]

هرکه متقی شد، پروردگار عالم گره‌های او را باز می‌کند. هرکه متقی شد، از راهی که گمان ندارد، خدا کارهایش را اصلاح می‌کند. اگر می‌بینیم گرفتاریم و کارهایمان اصلاح نیست، یک جای آن لنگ است و عمده لنگی همین است که توبه نداریم و متقی نیستیم، لذا اعمال ما گرفتاری برای ماست.

یکی از گناهکارها گفته بود در بیابان گیر کردم و برف حسابی هم می‌بارید و ماشینم خراب شد و راه را نیز گم کردم و تن به مرگ دادم. بعد یک معاهده با خدا کردم. به خدا گفتم تو رفع گرفتاری مرا بکن و من از این به بعد گناه نمی‌کنم و متقی می‌شوم. می‌گوید ناگهان آقا آمدند و فرمودند: چرا معطلی؟ ماشینت سالم است، برو و الان می‌رسی. تعجب کردم و پشت ماشین نشستم و دیدم ماشینم سالم است. از ماشین هول زده پیاده شدم و گفتم آقا تو مرا از مرگ نجات دادی! دلم می‌خواهد یک پاداش به شما دهم. آقا امام زمان فرمودند: پاداش من اینست که به تعهدی که با خدا کردی، عمل کنی. این ثواب توبه است، رضایت امام زمان. به مجردی که توبه می‌کند، امام زمان می‌آید و دستش را می‌گیرد و ماشین را درست می‌کند و او را می‌رساند و او را دوست دارد.

در روایات داریم کسی که جداً توبه کند، خدا او را خیلی دوست دارد. حتی در روایات داریم اگر کسی در بیابان زن و بچه‌اش را گم کرده باشد، که این خیلی حال نگرانی است و اما ناگهان زن و بچه را پیدا کند، چقدر خوشحال می‌شود؟ بنده‌ای هم که جداً توبه کند، خدا اینقدر خوشحال می‌شود. همین که الان گفتم آقا امام زمان فرمودند اگر می‌خواهی به من پاداش دهی، پاداش من آنچه که با خدا تعهد کردی. توبه و اجتناب از گناه و خجالت زدگی از گذشته و تضرع و زاری و استغفار و به آینده هم توجه، توجه، توجه.

من هیچ فراموش نمی‌کنم بزرگی به درب خانه ما آمد و گفت: علامه طباطبائی حالشان بد است و دم مرگ هستند. بیا تا به دیدن ایشان رویم. ایشان دم مرگ بودند و به جای لا اله الا الله نصیحت می‌کردند و مرتب این جمله را گفتند تا از دنیا رفتند: توجه، توجه، توجه.

اگر شب لیلة القدر است برای توجه است. اگر شب قدر و شب بیست و یک ماه رمضان است، همین توجه است و اگر این منبرها و نمازها هست، برای توجه است. و امشب شب توجه است. اگر دنیا می‌خواهید اینست و اگر آخرت هم می‌خواهید همین است و به غیر این چاره‌ای نیست. برای اینکه فاسق و فاجر از نظر تمول و شهرت و پست و مقام هرچه بالا باشد، اما زندگی شیرین و پربرت و خوش و خرم محال است و قرآن باید این را بدهد و قرآن در صد آیه به بالا می‌گوید من می‌دهم به شرط اینکه متقی باشید:

«إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» [۸]

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»

قرآن می‌فرماید امنیت دل می‌خواهی؟ بالاترین نعمت‌ها امنیت دل است. امنیت دو قسم است: یکی امنیت ظاهری که انسان بتواند در خانه‌اش امن بخوابد، بتواند به خیابان برود و الحمدلله این امنیت را داریم و نعمت بالایی است. به این امنیت ظاهری می‌گویند که نعمتش خیلی بالاست و پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» می‌فرمایند: دو نعمت مجهول پیش مردم

است: یکی امنیت و یکی سلامتی. [۹] وقتی مریض شد می‌فهمد که سلامتی چقدر خوب بوده و وقتی ناامن شد، می‌فهمد که امنیت چقدر خوب بوده است. اما امنیت بالاتر از این، امنیت دل است. امنیت دل یعنی یک زندگی منهای غم و غصه و دلهره و اضطراب. الان غم و غصه همه را پیر کرده و ناتوان کرده و حتی مریض و علیل کرده است. زندگی باید منهای غم و غصه باشد. آنگاه امنیت دل می‌شود. زندگی منهای دلهره و غم و غصه و زندگی منهای اضطراب خاطر باشد.

الان زندگی ما مخصوصاً جوان‌ها که یک اضطراب عجیبی در میان جوان‌هاست و چون با خدا نبوده، خدا او را رها کرده و رسیده به اینجا که دختر که باید عفت مجسم شود، یک دختر شود، اما عاشق یک پسر شده و توهم و تخیل و موبایل‌بازی دارد. پسر که باید یک افتخار برای اجتماع شود، از اول شب تا صبح موبایل‌بازی می‌کند. این اضطراب‌خاطر و بدبختی است و به این ناامنی دل می‌گویند. قرآن می‌فرماید: می‌خواهی امنیت دل پیدا کنی؟ یعنی یک زندگی منهای غم و غصه و اضطراب خاطر و دلهره و یک زندگی منهای چه‌کنم چه‌کنم و یک زندگی وسعت دار داشته باشی؟ پس متقی شو.

این آیه در سوره انعام است و آیه خوبی است:

«فَأَيُّ الْقَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» [۱۰]

چه کسی استحقاق امنیت دل دارد؟ بعد قرآن جواب می‌دهد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْسُوا بِإِيمَانِهِمْ بِظُلْمٍ»

کسانی که شیعه هستند و در شیعه گری خود گناه ندارند. ظلم به خودشان و ظلم به خدا و ظلم به دیگران ندارند، یعنی گناه در زندگی آنها نیست. بعد قرآن دوباره تکرار می‌کند: «أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» [۱۱]

اینجا امنیت دارند و دست عنایت خدا روی سر اینهاست. در قرآن تأکید اینگونه کم داریم و این وعده خداست. امشب هرکه آدم شد، وعده خداست که امنیت دل به او دهد و دست عنایت خدا هم روی سرش باشد و اگر گرفتاری عجیبی هم جلو آمد، با توجه و بدون توجه ولایت رفع گرفتاری او را کنند.

امشب لیلة الرغائبی‌ها این چیزها را از خدا می‌گیرند و آسان هم هست، ولی شیطان برای ما سخت کرده است. قرآن می‌فرماید: نماز چیز خوبی است و از نماز در زندگی کمک بگیر. بعد می‌فرماید: «وَ اسْتَعِيزُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» [۱۲]

نماز برای آدم‌های گناهکار سنگین است. لذا نماز اول وقت ندارد و نماز در مسجد و جماعت ندارد و نماز با طول و تعقیب ندارد و نماز برای او سنگین است، زیرا گناهکار است. و الا دو رکعت نماز در پیش اهل‌بیت بهتر از دنیا و آنچه در دنیا است. نماز یعنی مکالمه با خدا، برای اینکه وقتی حمد و سوره می‌خوانی خدا با تو حرف می‌زند و تو با خدا حرف می‌زنی و خدا اجازه داده با او حرف بزنی. بالاترین لذات نماز است و در اسلام چیزی لذت‌دارتر از نماز نداریم، اما سنگین است؛ زیرا دل نداریم و دل نداریم برای اینکه دلمان سیاه است، زیرا گناه روی گناه دل را سیاه کرده است.

«ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً» [۱۳] کسی که دل سیاه شد، از نماز لذت نمی‌برد. من تقاضا دارم امشب بیایید توبه کنید.

حرف آخری که در باب توبه هست، هیچ عبادتی بالاتر از ثواب توبه نداریم. شما نمی‌توانید عبادتی پیدا کنید که ثوابش بالاتر از توبه باشد. در توبه هم گفتن «استغفرالله ربی و اتوب الیه» خوب است و پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» در روز هفتاد مرتبه استغفار می‌کردند و می‌فرمودند دل مرا هم زنگار می‌گیرد. [۱۴] با این حرف‌ها و صحبت‌ها و نشست و برخاست‌ها دل مرا زنگار می‌گیرد و روزی هفتاد مرتبه استغفار می‌کنم. اما این لقلقه زبان است و ثواب دارد، اما اگر به راستی دل تواضع پیدا کند در مقابل خدا و مقام خشوع پیدا کند در مقابل خدا و به راستی یک حالت پشیمانی برایش پیدا شود و یک حالت شرمندگی برایش پیدا شود، آنگاه این چند چیزی که گفتم که بالاترین چیزهاست، برای او پیدا خواهد شد.

اصلاً بیایید امشب یک تعهدی با خدا کنید و بگویید خدایا من این ماه رجب و شعبان و رمضان که در پیش پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» و اهل‌بیت «سلام‌الله‌علیهم» و نزد اهل دل خیلی مقام دارد و عالی است، خدایا من با تو تعهد می‌کنم اگر مثل آنها آن حرف‌ها و کارها را ندارم، اما تعهد می‌کنم با تو که این سه ماه گناه نکنم و گناه در خانه ما نباشد، آنگاه اگر اصلاح نشد، گله کن. اما جداً در خانه شما گناه نباشد. مثلاً ماهواره نباشد و برنامه تلویزیون که گناه دارد، نباشد. غیبت و تهمت و پرخاشگری‌های خانم با مرد و عصبانیت‌های مرد نباشد و بالأخره گناه نباشد، بلکه تقوا باشد. تعهد کنید و بگویید این سه ماه می‌خواهم خانه من پاک باشد. مسلم اگر خانه شما پاک شد، رحمت خدا در این خانه نازل می‌شود؛ آنگاه این خانه منهای غم و غصه و گرفتاری می‌شود و این خانه منهای اضطراب‌خاطر می‌شود.

پی نوشتها:

[۱]. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۴.

[۲]. التوبة، ۱۰۵.

[۳]. یوسف، ۸۷.

[۴]. الزمر، ۵۳.

[۵]. البقرة، ۱۳۸.

[۶]. النحل، ۹۷.

[۷]. الطلاق، ۲ و ۳.

[۸]. الأنفال، ۲۹.

- [۹]. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۷۲.
- [۱۰]. الأنعام، ۸۱.
- [۱۱]. الأنعام، ۸۲.
- [۱۲]. البقرة، ۴۵.
- [۱۳]. البقرة، ۷۴.
- [۱۴]. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۱۸۳